

یادداشت

مدفون شدن در آوار صدا



کمال اطهاری

تحلیلگر مسائل اقتصادی

آیا روشنفکران ایران هر آنچه را باید با جامعه خود در میان گذاشته‌اند؟ آیا توانسته‌اند «از لحاظ فکری و اخلاقی، اراده ملی – مردمی را به‌سوی تمدنی والا» جهت دهند؟ آیا در میان خود به توافق حداقلی درباره مدل پایه جایگزین وضع موجود، یا ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه آینده ایران رسیده‌اند؟ و آیا اصولاً اهمیت چنین توافقی را دریافته و اراده‌ای جدی را برای دستیابی به آن پیدا کرده‌اند؟ بافوسوس باید گفت که پاسخ همه اینها منفی است، و این در حالی است که دولت‌هایی ناکارآمد، بدون برنامه در رقابتی برای کسب قدرت و ثروت، اندک اندک جان و روح و حتی طبیعت را از جامعه ایران می‌گیرند تا در به‌روئی بی‌انجام رهایش کنند. به‌راستی که بسیاری از روشنفکران ایرانی در آوار صدای خویش مدفون شده‌اند، چون (هر چند هم از جان گذشته) به فریاد اعتراض پس از وقوع هر کژکارکردی پسندد کرده‌اند. بسیاری دیگر از روشنفکران، به‌رغم تعداد قابل توجه و انبثاره فکری غنی، بی‌روشن ساختن چراغ راهی برای آینده جامعه، آرام آرام در بازی‌های ذهنی و زبانی، غرقه گشته‌اند. برخی روشنفکران رسمی فکر می‌کردند (شاید هم هنوز می‌اندیشند) که اگر تفاوت‌های طبقاتی و مسلکی را از ذهن بزادیم تا بورژوازی داخلی و جهانی از ما «رمد» و حتی طبقه کارگر و محروم را پای آنها قربانی کنیم (پروژه مارکسی‌واقفاموجود» به‌دست آویزیم، همه کارها درست خواهد شد، پس صدا دادند که بایباید در جبهه ما درپوشید، اما بعد از آنکه به‌رم این پی‌ان توصیه (مانند نامه کم‌همتای زنده‌یاد سحابی به خاتمی) عمده روشنفکران مدنی و سیاسی به دعوت آنها‌ن ندادند، خود موسسین جبهه بنای تفرقه گذاشتند: اول عبور از هاشمی و بعد عبور از خاتمی. بعد پیروز شد را با انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴ تفرقه به‌صورت معرفی کاندیداهای رنگارنگی بروز کرد که به‌طور شگفت‌آوری هیچیک حامل بر نامه چهارم توسعه نبودند که در دوره خاتمی کمابیش با یک اجماع بین روشنفکران اهل فکر و عمل تدوین شده بود. برنامه‌ای که کوشیده بود توسعه دانش محور را عدالت‌محور بسازد. شکست این شکست این به‌صورت متفرق بدیهی بود، اما به‌خصوص از طبقات فرودست‌تر جامعه طبلکار شدند که چرا با این همه خدمات و افکار مشعشع، به آنها رای ندادند! اگر بنا بر بی‌برنامگی و شعار باشد، احمدی‌نژاد از همه بهتر بلد بود (و هست)، پس پیروز شد را با برنامه جایگزین روشنفکران ابدական نیز از تبعیت کردنند! آنها هشت سال را به‌طلات کامل گذراندند، تنها به این پسندد کردند که بگویند چقدر کارهای احمدی‌نژاد (که روز به روز انحصار طلب‌تر و پرخاشجو‌تر می‌گشت) بد است. در این میان مردم به غفل سلیم دریافته‌اند که صدا و شعار سراب است، برنامه‌ها جایگزین باران، و تنش‌زدایی با چنگل‌های فناوری بالا از خدمت گردد تا توسعه از دست رفته را باز یابند. اما حاصل هشت سال بطالت و رخوت این بود که بورژوازی رانتی با این شعارها که احمدی‌نژاد «چپ» بود، در جبهه اصلاح‌طلبان دست‌با یابانند. آنها برنامه توسعه را به «حاکم» تقلیل دادند، موتور توسعه را به‌جای صنایع دارای فناوری بالا و خدمات مولد بار دیگر مسکن عنوان کردند و به تراکم‌فروشی ادامه دادند، آن هم در حالی که طرح جامع جدید مسکن کنار گذاشته بودند، امایش سرزمین را باز هم متوقف نگاه داشتند... یعنی در عمل تنها نامی از جبهه‌اصلاح‌طلبان باقی ماند. در چنین شرایطی تلنگر ترامپ کافی بود که اقتصاد فروپاشی و، او هم دریغ نکرد و دیپلماسی موفق ایران را با پاره کردن برجام، بر باد داد.

دریچه

معاون اول قوه قضائیه:

تشکیل دادگاه‌های تجاری یک ضرورت است

معاون اول قوه قضائیه با بیان اینکه تشکیل دادگاه‌های تجاری امروز یک ضرورت و زمینه آن نیز بدون نیاز به قانون جدید فراهم است، به سعید عمرانی دبیر ستاد اقتصاد مقاومتی ماموریت داد که در ۱۵ روز آینده و با هماهنگی کار گروه مربوطه، ترتیبی اتخاذ کند تا دادگاه‌های تجاری تشکیل شود. نشست ستاد مرکزی پیگیری اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در قوه قضائیه صبح روز گذشته مورخ اول دی ماه با حضور معاون اول قوه قضائیه و معاونین عالی دادسگا قضائیه در دفتر معاونین اول قوه قضائیه برگزار شد. حجت‌الاسلام والمسلمین مصدق در این نشست ضمن تسلیت ایام فاطمیه تدوین برنامه‌ای برای شناسایی ظرفیت‌های حمایت از تولید در دستگاه قضا را با توجه به مصوبات جلسه شورای عالی قوه قضائیه مورد تأکید قرار داد و با اشاره به اهتمام ویژه در این زمینه، تدوین سند جامع در مهلت مقرر در نامه ار سالی به دادستان کل کشور و تشکیل کارگروه‌ی از نمایندگان معاونت‌های مربوطه قوه قضائیه، دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی را خواستار شد. معاون اول قوه قضائیه با اشاره به اینکه تشکیل دادگاه‌های تجاری امروز یک ضرورت و زمینه آن نیز بدون نیاز به قانون جدید فراهم است، به سعید عمرانی معاون قضائی دادستان کل کشور و دبیر ستاد اقتصاد مقاومتی ماموریت داد که در ۱۵ روز آینده و با هماهنگی کار گروه مربوطه، ترتیبی اتخاذ کند تا دادگاه‌های تجاری تشکیل شود. تشکیل دادگاه‌های تجاری امروز یک ضرورت است و زمینه آن نیز فراهم است و نیاز به قانون جدید نداریم. مصدق تصریح کرد: قانون تجارت، در مجلس مطرح است و ممکن است تا چند سال دیگر هم منجر به نتیجه نشود، لذا در همین‌جامی خواهم تا ۱۵ روز آینده آقای عمرانی با هماهنگی کار گروه مربوطه ترتیبی اتخاذ کنند تا دادگاه‌های تجاری تشکیل شود. وی افزود: دادگاه‌های تجاری نیاز به قانون ندارد و در قالب دادگاه تخصصی امکان پذیر است و در ماهه ۱۳۹۲ قانون حمایت از بهبود مستمر محیط کسب و کار پیش بینی شده است و مورد تأکید مقام معظم رهبری است. لذا با بستنی به فوریت تشکیل این دادگاه‌ها در سراسر کشور پیگیری گردد.

دیدگاه

راهبر اصلی ایران در مذاکرات

ادامه از صفحه یک/
عدم لغو حاکمتری تحریم‌ها را دنبال می‌کنند. ما به یاد داریم که جویاند از همان روزهای ابتدایی انتخابات آمریکا با گذشت به بازگشت به برجام را داد و گفت که دولتش قصد دارد پس از بازگشت به این توافق، با متحدان اروپایی خود به یک جبهه قرار بگیرد و از این اقدام به‌عنوان زمینه‌ای برای قوی‌تر و طولانی‌تر کردن برجام استفاده کند. اما آن‌ها که متهمان ردیف اول نابودی برجام هستند، وقت‌کشی، زیاده‌خواهی و اتهام‌تراکنی علیه راهبرد لگو تمام تحریم‌ها که از سوی ایران ارائه شده، را در دنبال و تلاش می‌کنند بازبیکاری این راهبرد ایران را به عنوان یک اقدام غیرسازنده به‌افکار عمومی معرفی کنند. غربی‌ها معتقدند که ورود منابع مالی به اقتصاد ایران، قدرت ایران را در منطقه بالا می‌برد و دیگر ایران از مذاکرات بعدی بی‌نیاز می‌شود به همین خاطر با راهبرد ایران مخالفت می‌کنند. آن‌ها از این طریق می‌خواهند راه را برای قریب‌برجام بازنگه دارند و به‌عبارتی غرب تنها با تکیه بر این رویکرد است که می‌تواند دیگر موضوعات مدنظر خود با ایران را در دست‌های مناسب و در اشکال دیگری از مذاکرات، مطرح کند.

مجید ابهری، آسیب شناس در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

کاهش سن مهاجرت به زیر ۳۰ سال؟- فاجعه یعنی همین

نخبگان و جوانان تحصیلکرده، با «انتصاب‌های فامیلی»

معلوم است که آینده را مبهم بینند

مردم از وعده‌ها و تبعیض‌ها خسته‌اند، «امید» تزییق کنید

در ۱۰ سال گذشته، ۵۰۰ هزار نفر به آمار مهاجرت افزوده شده است

متوسط زمان گفت‌وگو در میان خانواده‌ها، به ۸ دقیقه رسیده است



آرمان ملی – منبره چگینی: «امید» کلمه‌ای که این روزها شاید در ظاهر به کم‌رنگ‌ترین حالت خود رسیده باشد و این امر را می‌توان از افزایش مهاجرت‌ها با کشورهای مختلف و خروج میلیاردها دلار به بهانه خرد ملک در کشور همسایه به‌وضوح مشاهده کرد. این روزها شیوع کرونا و فشارهای اقتصادی و عدم توازن در آمد با مخارج زندگی و فقدان نشاط و شادی لازم در جامعه، متهمان اصلی کاهش «امید» در کشور ماست. چندی پیش مقام معظم رهبری، با احساس خطر از خروج نخبگان از ایران فرمودند: «ما مهاجر فرستی و اینکه عناصری در بعضی دانشگاه‌ها، جوان نخبه را از آینده ما بوس، و او را به ترک میهن تشویق می‌کنند، صریحاً خیانت به کشور و دشمنی با آن است و دوستی با آن جوان هم نیست.» و همین امر مسئولیت دولت جدید را برای تزییق امید، شادی در کنار رفع مشکلات اقتصادی پر رنگ‌تر می‌کند. طبق آمارها از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ حدوداً ۵۰۰ هزار نفر به تعداد مهاجران ایرانی اضافه شده است. در واقع به‌طور متوسط، هر ساله ۵۰ هزار نفر از شهر وندان ایرانی مهاجرت کرده‌اند! بخش مهمی از این مهاجرت، طی همین چند سال اخیر اتفاق افتاده است. در واقع می‌توان گفت که سیل مهاجرت در ایران، در یکی دو سال اخیر به سونامی مهاجرت تغییر پیدا کرده است و دلیل اصلی آن کاهش امید به آینده در کشوری است که به «هرز پر گهر» شهرت دارد. با این حال برای بررسی این مشکلات «آرمان ملی» با مجید ابهری، آسیب‌شناس گفت‌وگویی انجام داده که حاوی نکات قابل تاملی است.

بر اساس آمارهای برخی از نهادها، سن امید به زندگی در جامعه ما افزایش داشته و به ۷۶ سال رسیده است، اما آنچه که عیان است، کاهش امید به آینده و افزایش روزمرگی در کشور بیشتر قابل بیسان است، شما کدام یک از این دو موضوع را تأیید می‌کنید؟ آنچه که آمارها می‌گوید یا آنچه که بر اساس آسیب‌های اجتماعی و اعتیاد و خودکشی قابل ارزیابی است؟

بله، من با واقعیت‌های جامعه بیشتر موافق هستم و این امر را می‌توان در افزایش تنش‌های رفتاری در روابط زناشویی و همچنین درگیری‌ها و افزایش آمار پزشکی قانونی مبنی بر نزاع و تضادهای رفتاری در میان افراد جامعه، مشاهده نمود و این نشان دهنده کاهش امید است. رشد آمار خودکشی، اعتیاد، فرار از خانه و آسیب‌های دیگر اجتماعی، حکایت از آن دارد که امید در مسیر کاهش قرار گرفته است. نگاهی به چهره‌های گرفته و بعضاً عصبی افراد در جوامع شهری و روستایی، صداقت آمار رسمی را تصدیق نمی‌کند، بلکه برعکس نشان می‌دهد که بسیاری از افراد در حالت برزخی خشم و ناامیدی و اندکی امید به‌فردا قرار دارند و این موضوع به دلیل فشارهای اقتصادی، مشکلات محیط زیستی و شیوع بیماری همچون کرونا است. گرانی و افزایش تورم به‌طور روزانه و ساختنی باعث شده، که اکثریت جامعه در محاصره اخبار تلخ و اندوه ناک قرار بگیرند. افزایش قیمت دلار و سسکه که هیچ اثر تباطی به بسیاری از جمعیت کشور ندارد، اما دلیل اصلی و تنش‌زا در ناامیدی به حساب می‌آید که دائم در حال پر آکنش در سطح جوامع است.

همان‌طور که اشاره کردید، فراوانی اخبار ناامید کننده همچون افزایش قیمت‌ها و... مردم را محاصره کرده و روحیه آنها را در مواجهه با روند صوری کاهش داده است. مثلاً این روزها یکی از امیدواری‌های مردم، همین مذاکرات است که در اروپا و برای برجام جریان دارد و بسیاری امید دارند که توافق برد– برد صورت بگیرد و تأثیری در آینده آنها داشته باشد. نظر شما در این رابطه چیست؟

بله، کاملاً این موضوع درست است، در روزهایی که ما در محاصر اخبار بد هستیم، اخبار مرگ و میر بر اثر کرونا، سیل، زلزله و همچنین اخبار گرانی کالا و اقلام خوراکی در کنار اختلاس‌های چند هزار میلیاردی، امید مردم را به صداها کیلومتر آن‌طرف‌تر ایران برده تا شاید گشایشی در آینده و در موضوع برجام رخ دهد. عدم تحقق وعده مسئولان و دولتمردان موجب کاشی و به صفر رسیدن اعتماد اجتماعی در بسیاری از افراد جامعه شده و این همان مصداق اخبار بد است. عدم تحقق وعده‌های مسئولان سابق کشور باعث شده که بسیاری از افراد اعتماد خود را به اخبار امیدوار کننده که این روزها شنیده می‌شود، از دست بدهند. مشاهده می‌کنیم که بخش اعظمی از ناامیدی در جامعه به سوی دولتمردان باز می‌گردد، چراکه آن همه وعده‌های گذشته تحققی نیافتاده است. همچنین تأخیر در بیان برخی از افراد یا کم‌رنگ جلوه دادن آنها باعث شده که بخشی از مردم به سمت رسانه‌های بیرونی حرکت کرده که سر منشاء اخبار ناگوار هستند. گسترش اینگونه اخبار در قالب شایعات در جامعه، باعث کم‌رنگ شدن واقعیت‌های خبری می‌شود. از دولت جدید که هنوز بدنه اجرایی خود را به‌طور کامل و مطلوب ترسیم و تنظیم نکرده و مدت قابل توجه‌ای نمی‌گذرد، نمی‌توان توقع چندانی داشت، اما آنها باید بدانند که دولت‌های قبل در وعده‌های بی سرانجامشان رکورد شکسته و هر روز وضعیت اقتصادی کشور بدتر می‌شود. در صورت عدم تحقق وعده‌های رئیس جمهور جدید، به دیگر کسی امید می‌به هیچ دولتی و با وابستگی به هیچ جناح سیاسی نخواهد داشت. مردم دیگر از وعده خسته شده‌اند و در انتظار اقدامات عملی هستند. باید اقدامات کاربردی در کشور به اجرا در آید تا باور از دست رفته مردم مجدداً احیا شود.

طبق یک بررسی رفتاری و نظر سنجی رسمی که چندی پیش منتشر شد، از هر سه ایرانی، یک نفر تمایل به مهاجرت از کشور دارد و این نشان می‌دهد که امید به آینده در کشور ما تا چه اندازه کم‌رنگ است، راهکار شمار برای بهبود این شرایط چیست؟

بسیاری از مردم ایران، که این روزها از جمعیت نخبگان و افراد دارای تحصیلات عالیه، به افراد عادی و اقشار متوسط جامعه رسیده، تصور می‌کنند در جوامع میزبان و توسعه یافته،

امید به آینده و زندگی بهتر و شادتر وجود دارد. اگر این نظر سنجی که شما به آن اشاره کردید را بررسی کنید، ۹۰ درصد افرادی که قصد مهاجرت دارند، جوانان زیر ۴۰ سال هستند که یا بیکارند یا از وضعیت عدم شایسته‌سالاری و حتی شغلی در سطوح پایین‌تر ناامید شده و حالا قصد مهاجرت دارند. ما همواره برای شاد بودن به‌دنبال بهانه هستیم، برای اینکه افسردگی در جامعه کمی فراگیر شده و این موضوع را نه تنها بنده، جامعه شناسان و روسای نظام روانشناسی کشور تأیید می‌کنند. انگیزه اقتصادی و رسیدن به شرایط بهتر زندگی، یکی از اصلی‌ترین دلایل در مهاجرت است. چه‌بسا در کشور میزبان شرایط اقتصادی بدتر از ایران باشد، اما به‌هر صورت این امید وجود دارد که مردم در اینجا شادتر زندگی می‌کنند و این از دید بنده بزرگ‌ترین دلیل مهاجرت است.

شما در صحبت‌های تان به موضوع عدم شایسته سالاری اشاره کردید، همان‌طور که شاهد هستیم انتصاب‌های رفاقتی و فامیلی، نقش مهمی و تحقق عدم شایسته سالاری و کاهش امید در میان جوانان دارد، شما این امر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با این نظر شما موافق هستم و این روزها تبعیض و شکاف‌های اجتماعی باعث افزایش ناامیدی در کشور شده است. تبعیض در انتصاب‌ها و واگذاری منصب‌های اداری و سازمانی، به‌دلیل دوستی، فامیلی و روابط خونی و جناحی به ناامیدی نخبگان و جوانان تحصیلکرده دامن زده است. در این میان بسیاری از جوانان تحصیلکرده، از دسترسی به مشاغل سطحی در ادارات دولتی محروم هستند، در حالی‌که آنها می‌بینند افرادی بر صندلی ریاست این ادارات و سازمان‌ها تکیه زده‌اند، که نه تحصیلات مرتبطی دارند و نه تجربه کاری و فقط به دلیل فامیلی یا هم‌فکری جناحی در سیاست، با حقوق و درآمد نجومی به کار گمارده شده‌اند. همین امر باعث پاشیدن بذر ناامیدی در روحیه جوانان می‌شود. چرا باید ۳۰ تا ۴۰ تحصیلکرده‌ها و فارغ‌التحصیلان ما در اسنپ و پیک موتوری کار کنند؟ عدم توجه به اصل شایسته‌سالاری در انتصاب‌ها و رشد این امر در ادارات، یکی از دلایل ناامیدی در جوانان و علاقه‌مندی برای مهاجرت از کشور است، در شرایطی که کشورهای دیگر با آغوشی باز آنها را مورد استقبال قرار می‌دهند. در بسیاری از کشورهای دیگر، رشد و ترقی برای افراد از اساس تحصیلات و لیاقات باشد. بارها دیده‌ایم که در کشورهای بزرگ جهان، ایرانیان هوشمند و با لیاقیت به مشاغل کلیدی آن کشور مانند وزارت، شهردار، نمایندگی و مجلس از روسای ناسرآمدند که برای بسیاری از هموطنان ما در زادگاه خود، حتی تصور اینگونه مشاغل نیز بسیار بعید به نظر می‌رسد. دیگر ورود به دانشگاه، انگیزه و آرمان بسیاری از نوجوانان و جوانان نیست، چراکه در هر خانواده یک یا چند فرد تحصیلکرده و بیکار وجود دارد و با این امر دیگر کسی آمیدی به ادامه تحصیل ندارد. حالا آرزوی بسیاری از آنها خروج از کشور است که باید نخبگان اجتماعی و فرهنگی بسیار سریع راه حل‌ها و راهکارهایی را پیدا کنند.

خرد خرد ملک در ترکیه نیز بیانگر تأیید صحبت‌های شماست و در طی یکسال اخیر، ایرانی‌ها در هر ماه ۵۲۷ خانه در ترکیه خریده‌اند که بیشتر از خرید و فروش ملک در تهران است.

باز هم تأکید می‌کنم که تمام این مشکلات به مسائل اقتصادی مرتبط می‌شود و در کنار آن نیز مسائل سیاسی مطرح است. هیچ کسی حق ندارد بابت بازی‌های جناحی و سیاسی، مردم را ناامید سازد و مردم باید به‌فرادی روشن در کشور خود امیدوار باشند. اگر امروز با دشواری مواجه هستیم، تحصیلکردگان بیکار هستند و شغلی مناسبی ندارند، اگر آنها انتصاب‌های فامیلی و رفاقتی روبه‌رو هستند، باید بدانند تمام این مسائل، گذرا است و به‌زودی به اتمام می‌رسد. دولت برای بالا بردن نشاط اجتماعی باید به خانواده‌ها امکانات و بسته‌های ارزان را رایگان مسافرت‌های خانوادگی بدهد تا با سفر ارزان قیمت تنوعی در زندگی‌شان ایجاد شود. رئیس‌جمهور کشورمان باید قاطعانه دستور دهند در مقابل تبعیض‌های استخدا می، حقوق‌های نجومی با امتیازهای

خارق‌العاده به علت وابستگی به برخی از جریان‌های سیاسی داده می‌شود، به فوریت متوقف شوند تا مردم مزه شیرین عدالت اسلامی را بچشند. در صورت تحقق این امر، همان‌طور که در اصفهان دیدیم، به بهانه آن اصفهان چگونه به خیابان‌ها آمدند و آنها در حقیقت از گرانی، تبعیض خسته شده‌اند و به دنبال بهانه‌ای هستند. باید بهانه از دست بهانه‌جویان گرفته شود. گرانی‌کار در راه استخوان مردم رسانده و برخی از خانواده‌ها در طول ماه و گاه سال گوشت و مرغ در سفره خود نمی‌بینند. اما در مقابل اگر از پلیس و مسئولان فرودگاه‌ها پرسیده شود چند هزار ایرانی در یک یا دو ماه گذشته از ایران خارج شده و برای خرید و گردش به ترکیه و امارات رفته‌اند، قطعاً رقم قابل توجه‌ای خواهد بود. اگر حساب کنیم هر کدام از این افراد فقط ۱۰۰۰ دلار صرف خرید و اقامت خوراک در این کشورها کرده باشند، چه سرمایه هنگفتی از کشور خارج شده است؟ تبلیغات گسترده خرید خانه و ویلا در ترکیه تم‌یک رسانه‌های ماهواره‌ای را فر گرفته است. اما بسیاری از خانواده‌ها نتوانسته‌اند در طی چند سال گذشته به یک سفر تفریحی به قم یا مشهد بروند، این تبعیض‌ها مردم را خسته کرده و باور آنها را کم‌رنگ کرده است. بی‌شک مردم از کشمکش‌ها و تقابل آشکار و نهان از جناح‌های سیاسی خسته و فرسوده شده‌اند و باید این عزیزان تصمیم بگیرند و یکبار قاطعانه این مسائل را به پایان رسانده و همه در راه خدمت به مردم و ایجاد امید به آینده، همت گمارند.

ابعاد مشکلات اقتصادی و کاهش امید در جامعه را در روابط خانوادگی و جامعه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

امروزه وجود شکاف‌های اقتصادی میان دو قشر ضعیف و غنی، سبب شده که اقشار متوسط از جامعه ایرانی حذف شوند و کشور به دو قطبی اقشار فقیر با جمعیت حاکمتری و جمعیت غنی (حداقلی) تقسیم شدن شود. در این شرایط وقتی که یک جوان می‌بیند یک فرد هم‌سن و سال او سوار بر خودروی چند میلیارد تومانی است و او توانایی تهیه یک دوچرخه یا موتور سبکلت را ندارد، چه انگیزه‌ای برای رفتن به سر کاری دارد که حقوق ماهیانه او کمتر از سه میلیون تومان باشد. در نگاهی به آمار خودکشی و اعتیاد، نیز این اعداد و ارقام، بیانگر این حقیقت تلخ است که افرادی که گرایش به اینگونه رفتارها پیدا می‌کنند با زمینه اصلی ناامیدی روبه‌رو بوده‌اند که این افکار منوط به این‌ها رشد پیدا کرده است. در حال حاضر بسیاری از افراد جامعه ما برای تأمین مایحتاج زندگی خود دارای دو تاسه شغل هستند که این امر سبب می‌شود که آنها وقتی برای دو دلار خانواده بودن و رفتن به تفریح بی‌نیاز نباشند. این افراد توانایی برای گفت و شنود با فرزندان و همسر خود ندارند و فقط می‌خواهند بخوایند که فردا صبح زود در سر کار خود حاضر باشند. مادر خانواده در صف‌های مختلف به دنبال اقلام مختلف است، بنابراین فرزندان اجبار دارند که به بازی‌های رایانه‌ای و اینترنتی پناه ببرند. در حال حاضر متوسط زمان گفت‌وگو میان خانواده‌ها، ۸ دقیقه‌است و در این مدت چه می‌توان گفت؟ همین امر سبب شده که طلاق خانوادگی و روابط آمیزشی عاطفی در زندگی‌ها افزایش پیدا کند. متأسفانه امروزه با همسرانی مواجه هستیم که سردی عاطفی در روابط زناشویی را تجربه می‌کنند و همین روابط در صورت ادامه به بحران‌های زندگی‌های مشترک دامن می‌زنند. در این شرایط فرزندان به دلیل ناامیدی و ششک‌های والدین در خارج از منزل به دنبال تکیه‌گاه عاطفی گشته و به‌اندک محبتی به سوی دیگران جذب می‌شوند. ظهور پدیده مردان و زنان میانسال و کهنسالی که با دختران و پسران نوجوان و جوان روابط عاطفی دارند، بسیار بالا رفته و این نشانه نواح عاطفی در منزل است. کوری عاطفی، به‌معنای آن است که مرد و زن یا فرزندان آنها، به دلیل گرفتاری‌های فکری و یاس و ناامیدی یک‌دیگر را نمی‌بینند. پدر و مادر متوجه رشد جسمانی فرزندان نیستند، نمی‌بینند آن کودک خردسال تبدیل به جوان برآمده شده که باید از دواج کند یا باید شغلی داشته باشد که تشکیل خانواده بدهد. برای دختران نیز همین‌طور است و باید برای آنها به دنبال چیزهی باشند. همین امر یکی از دردها و غدغه‌های اصلی والدین کم‌درآمد است. متأسفانه عدم ازدواج جوانان و ناامیدی آنها به زندگی‌های زناشویی سبب شده که با بحران‌های جمعیتی روبه‌رو باشیم. اگر روند سالمندی جامعه به همین شکل پیش برود و روند فرزندآوری نیز به موازات نیز رشدی نداشته باشد، در ۲۰ سال آینده باید نیروی کار فعال کشور را از کشورهای دیگر وارد نموده یا به کشورهای سازنده ربات‌های مکانیکی، سفارش کارگر و کارمند بدهیم.

فرارو

روایت «آرمان ملی» از تخرکات جدید در منطقه:

معمای «تغییر کنش استرالی» در قبال ایران

سفر استرالیادر قم:

آیا کانبرا تغییر نقش می‌دهد؟

آرمان ملی: چندی پیش بود که خبری مبنی بر حضور لیندلان ساکس سفیر کشور استرالیادر ایران و دنیس کارنی معاون وی در قم و حرم حضرت معصومه (س) و عکس پوشش متفاوت او با چادر در رسانه‌ها خبر ساز شد. ساکس و معاونش که با حضور در حرم مطهر کریمه اهل‌بیت(س) توسط کارشناسان امور بین‌الملل حرم، با اماکن و بخش‌های مختلف حرم و همچنین شخصیت حضرت معصومه(س) آشنا شدند. به همراه هیات همراه از صحن‌های صاحب‌الزمان(عج)، جواد الائمه(ع)، مسجد اعظم، امام هادی(ع) و امام رضا(ع) بازدید کردند و سپس به زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه(س) مشرف گردیدند و در این باز دید یک جلد کلام... مجید به زبان انگلیسی با قاب نفیس به سفیر استرالیا اهدا شد که به گفته وی اولین قرآنی بود که به او اهدا می‌شد و از این بابت که در این مکان مقدس چنین هدیه ارزشمندی را دریافت کرده بود بسیار ابراز خوشحالی کرد. این در حالی است که طی روزهای گذشته صحبت‌های مختلفی در خصوص چرایی حضور سفیر استرالیادر قم مطرح می‌شود و پرسش مشخص نیز اینجا است که هدف سفیر استرالیادر حضور در این اماکن چیست و ساکس بر چه اساسی به یک مکان مذهبی در قم رفته و آیا این حضور صرفاً یک کتبجاکو یا بر مبنای شناخت فرهنگ و دین و مذهب ایرانی‌ها بوده یا اینکه در پوشش این مساله مقاصد دیگری را دنبال می‌کرده است. قدر مسلم تا زمانی که پاسخ این پرسش مشخص نشود نمی‌توان حدس زد که چگونه بی‌هوا و بدون خبر سر و کلام ختم سفیر در حرم حضرت معصومه(س) پیدا شده و در بی‌چه چیزی بوده است. به نظر می‌رسد که گویا استرالیایی‌ها می‌خواهند تحرکات پیشرفت در منطقه به خصوص ایران داشته باشند و شاید با همین اقدامات ابتدایی بخواهند نشان دهند که در کار خود محدود مصر هستند. باید دید موضع مقامات مسئول کشورمان به این مساله چگونه خواهد بود.

استقلال یا امنیت؟

روز پانزدهم سپتامبر سال جاری میلادی بود که سه کشور انگلیسی زبان ایالات متحده، انگلیس و استرالیای خبر از توافق «آگوس» دادند. توافقی که بر اساس آن ایالات متحده و انگلیس متعهد شده‌اند تا در دستیابی استرالیای هشت زیردریایی اتمی، به مبلغ حداقل ۷۰ میلیارد دلار، کمک کنند. این در حالی بود که پیش از این قرارداد پارسی با مضای «قرارداد قرن» با کانبرا، قول فروش دوازده فروند زیر دریایی به اتریش و سی و یک فروند فروند و رور و در طول بیست و پنج سال را داده بود. قراردادی که باعث شکوفایی هرچه‌بیش‌تر صنعت نظامی فرانسه و پیدا کردن بازاری فراتر از کشورهای خلیج فارس می‌شد. شاید در نگاه اول، لغو قرارداد خلیج فارس به نظر برسد، اما وقتی به سیاست خارجی استرالیای نگاه می‌کنیم، می‌توانیم متوجه شویم که بیوستن به و یا بهتر بگوییم، دنباله‌روی از اتحاد انگلیسی- آمریکایی چندان هم دور از ذهن نظر نمی‌رسید. از طرفی اگرچه هر یکا به‌طور سنتی آن چنان که در اروپا یا غرب آسیا فعال بوده، ضروری پررنگ در منطقه هند – آرام نداشت، اما با قدرت فرانسه‌چین قابل پیش‌بینی بود که بخواهد رهبری رویارویی با این کشور را در دست بگیرد. در طرف استرالیای هم مشخص بود که این کشور نه قصد نه‌قادر به تقویت سیاست خارجی خود و دنباله‌روی از فرانسه را دارد. آن چه برای استرالیای مهم است نه استقلال بلکه امنیت است، همان‌طور که این کشور تاکنون هم به شکل عملی استقلال نداشته و در سیاست‌های خود دنباله و ایالات متحده و انگلیس بوده است. استرالیایا آگاهی به این که فرانسه نه قصد رویارویی با چین و نه ظرفیت آن را دارد، قبول به پیروی از ایالات متحده برای تأمین امنیت خود کرد. وابستگی بسیار کانبرا به پکن آن را از نظر امنیتی در وضعیت پدیری قرار می‌دهد. اتحاد با ایالات متحده نه تنها قدرت نظامی استرالیایا افزایش می‌دهد، بلکه به این کشور کمک می‌کند تا با توسعه بخش صنعت (خودتولید امنیت ملی خود را در برابر چین تحکیم کند.

از زیر دریایی اتمی تا تأثیر در منطقه

نکته‌ای وجود دارد که باعث می‌شود تا نقش استرالیای از یک بازیگر دفاعی که پیش‌تر مجبور به واکنش در برابر چین و دیگر کشورها بود به بازیگری شکل دهنده در عرصه سیاست‌های منطقه ای و حتی فرامطقه ای تغییر کند. انتخاب زیردریایی‌های اتمی از سوی استرالیایا است که یک انتخاب استراتژیک به شمار می‌آید درست است که همکاران نزدیک ایالات متحده و انگلیس با استرالیایسایتی برای مقابله با چین به شمار می‌آید. با توجه به دستیابی استرالیای برای دریایی اتمی به نظر می‌رسد که تقسیم کار برای تأثیرگذاری و اعمال قدرت در مسیرهای دریایی چین تا حدودی با استرالیای تقسیم بشود. این بدان معناست که استرالیای تمرکز خود را از نواحی جنوبی و جنوب غربی چین و در امتداد راه‌های دریایی آن تا اقیانوس هند، جیبوتی و دهانه خلیج عمان خواهد گذاشت. زیردریایی‌های اتمی و تجهیزات نظامی آینده هم احتمالاً برای راستا خواهد بود تا نقش این کشور را از بازیگری دفاعی و واکنش‌گرا به بازیگری هجومی و شکل‌دهنده سیاست‌های منطقه‌ای تغییر دهد. همین امر باعث شده تا مقامات ایران واشنگتن و لندن را به علت فروش زیردریایی‌های نظامی به استرالیای که از اورانیوم ۹۰ درصد غنی شده استفاده می‌کنند، به به پیش گرفتن سیاست یک‌دام و دو هواپنم و آنان را به علت کوهش ایران به علت غنی سازی ۲۰ درصدی اورانیوم، به باد انتقاد بگیرند. چنانکه برخی معتقدند توافق آگوس می‌تواند بر توافق برجام نیز تأثیر گذار ظاهر شود. آنچه مسلم است توافق «آگوس» ایزار تبلیغاتی موثری برای توجیه افزایش غنی سازی اورانیوم در اختیار تهران قرار داده است و ایران تلاش خواهد کرد از این ابزار به عنوان اهرم فشار جدید یا برای تقویت توانایی‌های خود بهره‌برداری کند. از طرف دیگر پس از خروج آمریکا از منطقه شاهد افزایش حضور فرانسه، روسیه و انگلیس در این منطقه هستیم. به خصوص که کشورها عری سعی در برادری کنند. از طرف دیگر برای خود خد از خروج ایالات متحده و تأمین سلاح مورد نیاز خواهند کرد. به نظر می‌رسد، از طرفی به احتمال زیاد کانبرا نقش فعال‌تری در زمینه‌های ارزشی و هنجاری بازی خواهد کرد.